

مجله نقد آگاه  
پشتیبانی  
تولید محتوا  
طراحی و چاپ  
توزیع  
پخش  
تعمیرات  
مشاوره

مجله نقد آگاه، شماره ۲۲۲، تهران، زمستان  
مجله نقد آگاه، شماره ۲۲۲، تهران، زمستان  
مجله نقد آگاه، شماره ۲۲۲، تهران، زمستان  
مجله نقد آگاه، شماره ۲۲۲، تهران، زمستان

---

# نقد آگاه

## در بررسی آراء و آثار

(مجموعه‌ی مقاله)

---

گردآورنده:

**عنایت سمیعی**



## فهرست

- بار دیگر نقد آگاه نوشته‌ی عنایت سمیعی ۷
- چالش**
- بار گران تاریخ نوشته‌ی محمدرضا نیکفر ۱۲
- هرمنوتیک و اندیشه‌ی انتقادی نوشته‌ی شاهرخ حقیقی ۳۴
- زیبایی و مرگ مؤلف نوشته‌ی بهمن بازرگانی ۱۰۹
- جستار**
- شجره‌های ممنوعه در گلستان سعدی نوشته‌ی علی محمد حق شناس ۱۳۴
- خود-ارجاعی ادبی، سلطه‌گری عرفانی نوشته‌ی شاپور جورکش ۱۵۲
- نگاهی بسیار کوتاه به مقوله‌ی پسامدرنیته نوشته‌ی ر. رخشانی ۱۹۹
- نگرش**
- ایدئولوژی، سبک و گفتمان نوشته‌ی محمود فتوحی ۲۰۸
- نوشتار کارگاهی: نوشته‌ای پرسنده از عناصر نوشتار نوشته‌ی مرتضی پورحاجی ۲۳۳

زیبایی  
چشم‌انداز نقاشی و تندیس‌گری نوین ایران  
نوشته‌ی جواد مجابی  
۲۶۲

نقد  
میم‌ها چگونه به نون تبدیل می‌شوند؟  
نوشته‌ی پویا رفویی  
۲۷۸

روایت‌های کلیت‌گرا در رمان‌های ابوتراب خسروی  
نوشته‌ی دکتر مارک اسموژینسکی / ترجمه‌ی مهدی صداقت پیام  
۲۹۵

زن‌های کربلایی‌لو (کندوکاوی انتقادی در مجموعه آثار داستانی  
مرتضی کربلایی‌لو)  
نوشته‌ی زری نعیمی  
۳۱۷

نمایش  
تاریخ شفاهی صورتک‌ها  
نوشته‌ی فرشید فرهمندنیا  
۳۳۴

من از آن حسن روزافزون که یوسف داشت دانستم...  
نوشته‌ی نغمه ثمینی  
۳۴۷

ادبیات شرق  
سنت‌های رمان عربی  
نوشته‌ی راجر آلن / ترجمه‌ی محمد جواهرکلام  
۳۶۴

۳۳۳

### بار دیگر نقد آگاه

چهار جلد دوره‌ی نخست نقد آگاه که در فاصله‌ی زمانی پاییز شصت و یک تا اسفند شصت و سه انتشار یافته بود با اقبال علاقه‌مندان به مباحث نظری و انتقادی همراه بوده، انتظار می‌رفت که تداوم آن راهی برای بیان چالش‌های فکری و گفت‌وگوی انتقادی باز کند، اما... آینده‌باوران می‌پندارند که ربع قرن از منظر تاریخی چشم بر هم زدنی قابل چشم‌پوشی است. سرعت تحولات نیز ظاهراً گذشته و حال را به دست فراموشی سپرده و همه را یک‌جا در آرمان‌شهر آینده ادغام کرده است. اما اکنون آن را فقط تحول توأم با تأمل حال به آینده امیدوار می‌کند، نه سرعت‌های لجام‌گسیخته که در کار حذف سوژه‌ی هدف‌مند است.

بر سر آنیم که دوره‌ی دوّم نقد آگاه را به لحاظ کثرت آثار ترجمانی و قلت تألیف عمدتاً به تألیف اختصاص دهیم بی‌آنکه انکار کنیم تألیف خلاقانه نیز به دلیل روابط تنگاتنگ با اندیشه‌های تازه‌ی جهانی به حلقه‌ی غایبی ترجمه وصل می‌شود. با وجود این جای خالی ترجمه به گزارش‌هایی سپرده شده که مؤلف - مترجم از متن به دست داده، در مواردی نیز پیوند متن با آثار ایرانی بر ضرورت ترجمه مهر تأیید زده است.

جامعه‌ی ایرانی طی ربع قرن گذشته، در داخل و خارج، شاهد کوشش‌های فراوانی در خصوص تولید هنر و ادبیات و مباحث نظری بوده که به دلایل گوناگون از جمله ضعف اندیشه‌ی انتقادی و فقدان سنت گفت‌وگو کمتر توفیق آن یافته که جایگاه آراء و آثار را ارزشیابی کند. از سوی دیگر تولید انبوه نیز که سر نخش به دست بازار است، مجال نداده تا آثار سره از ناسره متمایز شود؛ به این سبب غالباً تفرقه جای تفاوت نشسته، بی‌آن‌که تعریفی از هر یک ارائه شده باشد.

به همین ترتیب، طرح یک‌سویه‌ی مباحث نظری، عمدتاً در قالب ترجمه و کمتر تألیف در هر دوره منجر به میدان‌داری یکی - دو نظام فکری مصون از بازنگری شده که بر اثر اشباع خود به خود جای خود را به نظامی دیگر سپرده است. این‌که جای سنت، فرهنگ و زبان ایرانی در طرح و ترجمه‌ی اندیشه‌های پیشرو، بینایی و واپس‌گرا کجاست، پرسشی است که اندیشه‌ی انتقادی برخاسته از درون، با همه‌ی ملاحظات که می‌توان بر این درون بار کرد، باید به آن پاسخ دهد، ورنه انجام فعالیت‌های عمومی میان‌روانه و طرح آراء رادیکال مازادی به بار می‌آورد که ناشی از بی‌اعتنایی به زمان-مکان حاضر یا جغرافیایی-تاریخی خاص به شمار می‌رود. به سخن دیگر فرهنگ یک سرزمین را نمی‌توان با آراء و نظریه‌های انتزاعی سرزمینی دیگر وفق داد و به معرفتی کارساز دست یافت. شمول نظریه‌ها و فلسفه‌ها یک چیز است و فرآیندی که فرهنگی دیگر برای فهم آن‌ها و به‌جا آوردن خود طی می‌کند و به خودشناسی می‌رسد، چیزی دیگر. بدیهی است، تفاوت تشخیص نیافته یا وانموده و برجسب چندفرهنگی‌گرایی خورده، بازی زبانی‌ای است که ذیل کاسبی‌های سلطه‌ی جهانی می‌گنجد که ظاهراً برای دیگری، البته به این شرط که خود را به کالایی قابل داد و ستد تبدیل کند، جا باز می‌کند.

به اختصار بگویم که طرح اولیه برای انتشار مجدد نقد آگاه مبتنی بر

بازنگری در کم‌وکیف اندیشه‌هایی بوده که در دو دهه‌ی اخیر خطوط اصلی تولید فکر و آثار هنری را در دو حوزه‌ی مختلف و مرتبط به یکدیگر، ترسیم کرده و در هر دوره به مثابه پارادایم ظاهر شده‌اند. حوزه‌ی نخست به بازخوانی سنت اختصاص داشته که نقد محمدرضا نیکفر در این شماره پاسخی است بدان و البته بابی همچنان گشوده.

حوزه‌ی دیگر مربوط به ترجمه است که آراء پست مدرنیست‌ها و این اواخر نظرورزانی دیگر همچون بدیو، آگامبن، ژنژک و... را دربر می‌گیرد.

جامعه‌ی اسطوره‌زده معمولاً در میدان مغناطیسی نام‌های مشهور قرار می‌گیرد و به آن تقدس می‌بخشد. نام مقدس هم یا شگفتی می‌آفریند یا نفرت و هراس که به هر رو نمی‌گذارد کسی به آن نزدیک شود. با وجود این نسلی از راه رسیده که از هیبت نام‌ها نمی‌ترسد و بر رمززدایی از آن‌ها، اصرار می‌ورزد. به این ترتیب انتظار می‌رود که زمینه‌ی شکل‌گیری نام‌ها را در بستر فرهنگ این جایی-اکنونی، تبیین کند.

از سوی دیگر، بررسی تأثیر علم و تکنولوژی - به‌ویژه تکنولوژی - بر کشورهای پیرامونی دنباله‌ی همان طرح اولیه است که امید می‌رود وصول پاسخ‌ها به شماره‌ی دوم وصال دهد.

فصل‌های نقد آگاه عمدتاً به مباحثی اختصاص دارد که دریافت‌های جهانی را به سوی اندیشه، هنر و ادبیات ایرانی جهت می‌دهد. فصل آخر نیز که ترجمه است ویژه‌ی ادبیات شرقی است که به لحاظ افق‌های مشترک تاریخی و در مواردی نیز دینی، ممکن است به غنای ادبیات ما بیفزاید.

با گرامی‌داشت خاطره‌ی همکاران به خاموشی پیوسته‌ی دوره‌ی نخست نقد آگاه به این وجیزه پایان می‌دهم.